

آمت اسلام بر سوگ  
عزیزان گریست



۲

پیش بینی برداشت بیش از  
۷۰۰ تن کاملینا در گلستان



۲

پاسخ به چند ابهام  
در مصرف شیر و لبنیات



۲

## یادداشت اول

### دشمن اول کیست؟

■ بامسولیت سردبیر

رئیس جمهوری، وزیر امور خارجه، نماینده ولی فقیه و امام جمعه تبریز، استاندار، سه خلبان مجرب به همراه رئیس تیم محافظت در سقوط بالگرد رئیس جمهور به شهادت رسیدند. با یک حساب سر انگشتی تجربه مفید و ارزشمند مدیریتی بیش از دویست سال نیروی انسانی در سطح ملی، وزارت و استانداری مجرب از دست رفت. علت حادثه هر چه باشد نمی تواند توجیه گر چنین بی مبالائی ها و بی برنامهگی ها در سطوح مختلف مدیریتی باشد. ما گلستانی ها فراموش نکرده ایم که در یک چهل تمام نمایندگانمان از دست رفتند و هنوز که هنوز است در حسرت توانایی و قدرت آنها برای سر و سامان دادن به استان در مانده ایم. در حادثه یک چهل علیرغم همه شایعات مبنی بر ترور و انفجار و خرابکاری در نهایت هم تیم کارشناسی مجلس شورای اسلامی و هم آنچه قراین و شواهد نشان داد نشان از بی نظمی، ناکارآمدی و سهل انگاری در انجام وظیفه بود که باعث آن اتفاق سخت و سنگین شد، اینک نیز باز همان حادثه در سطحی ملی دامن گیر کشور شده است، پیش از این سقوط هم سال گذشته بالگرد وزیر ورزش سقوط کرده بود و در آن نیز یکی دوتن جان باخته بودند، اینک سوال این است وقتی ترامپ دستور حمله به سردار سلیمانی و ترور ایشان را داد ما یک سردار را از دست دادیم، اما در خلال ناکارآمدی و فقدان تدبیر امور، هر روز بخشی از نیروی انسانی مجرب و توانمند خود را از دست می دهیم و پس از سانحه آن را به تقدیر و یا دهها مساله دیگر ارجاع می دهیم تا سانحه بعدی، باید با اصلاح روش ها و برنامه ها و اصلاح اداره امور از تلفات جلوگیری کنیم، باید بپذیریم تا در بر همین لولا می چرخد، هر روز باید در انتظار اتفاقی سخت و از دست دادن منابع انسانی توانمند خود باشیم. باید بپذیریم ناکارآمدی، بی نظمی و بی برنامهگی دشمن اول ماست و چنانچه در نظم، برنامه ریزی و کارآمدی سر آمد باشیم، دشمن هم توان عرض اندام نخواهد داشت، پس دشمن اول ما ناکارآمدی و بی برنامهگی است. ما نیازمند اصلاح خود و برنامه های خود هستیم.



بیش از ۵۷۰ فقره اشعاب جدید آب  
در شهرستان کمیشان نصب شد  
« ۸ »



دو داستان از  
مه نگار حاجی مشهدی  
« ۸ »



چیزها و آدمها  
« ۳ »



به شکوفه ها

به باران

برسان سلام ما را

## پیش بینی برداشت بیش از ۷۰۰ تن کاملینادر گلستان



کاملینا ۳۳ هزار تومان قیمت گذاری شد. مهقانی با اشاره به اینکه به طور میانگین از هر هکتار ۸۰۰ تا دو هزار کیلوگرم محصول برداشت می‌شود، اظهار کرد: پیش بینی می‌شود امسال بیش از ۷۰۰ تن محصول کاملینا در استان برداشت شود.

گلستان گفت: اکنون در استان ۴۴ مرکز برای محصول کلزا و دو مرکز برای محصول کاملینا آماده خریداری از کشاورزان هستند. وی با بیان اینکه این گیاه هزینه تولید کمتری نسبت به دیگر گیاه دارد، یادآور شد: امسال برای محصول کلزا ۳۵ هزار تومان و

گلستان محصول کاملینا کشت شده است. وی با اشاره به اینکه این گیاه با محصول کلزا برابری دارد، افزود: این محصول بیش از ۳۰ درصد روغن دارد و در اراضی لب شور هم می‌تواند رشد کند. معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهاد کشاورزی گلستان گفت: بر اساس پیش بینی ها امسال بیش از ۷۰۰ تن محصول کاملینا در استان برداشت شود. به گزارش روابط عمومی، علی اکبر مهقانی، اظهار کرد: امسال در ۵۶۰ هکتار از اراضی کشاورزی

### یادداشت

#### امت اسلام بر سوگ عزیزان گریست



محمد دیلم کتولی

ابر به صحرا رسید، در تب باران گریست چشم زمان خیس شد، در غم یاران گریست حادثه ای سخت بود، حادثه ورزقان سوگ بزرگی کزو، ملت ایران گریست سید خدمتگزار، خادم هشتم امام بر سر پیمان چو ماند، گنبد و ایوان گریست رهبر فرزانه مان، ضایعه دانسته و امت اسلام بر، سوگ عزیزان گریست بُت شکنی بود او، تابوی بحران شکست سنت نیکو نهاد، در غمش ایمان گریست خستگی از دست او، خسته و درمانده شد حیف که از دست رفت، شاه شهیدان گریست بوسه به قرآن زده، سید عالی مقام حامی قرآن چو شد، آیه قرآن گریست عالم ربّانی و، سالک وارسته بود چون بُت نفیسیش شکست، عالم عرفان گریست مرد قضا بر قدر، چیره نشد عاقبت صلح و عدالت بر این، قاضی دوران گریست مانده بر این آرمان، راه امام و شهید مجاهدت ها نمود، بر او سلیمان گریست بَهر رضای خدا، و شوق خدمت به خلق کار نمود و تلاش، تراش یزدان گریست طعنه در یوزگان، کنایه مفسدان ملول و سستش نکرد، به خلوت از جان گریست عزیز جان ولی، منتخب ملتی است ماتم او سخت بود، رهبرم از جان گریست جام کلاب آر شکست، شکر خدا گل بجاست وزید طوفان غم، که باغ و بستان گریست دشمن مستکبران، یاور مستضعفان پناه درماندگان، چو رفت باران گریست رئیس اینک شده، جنان به قاسم رفیق به مُرد اخلاص او، جمع شهیدان گریست مقتدر و باشکوه، همیشه ایران ماست امت اسلام بر، سوگ عزیزان گریست

## پاسخ به چند ابهام در مصرف شیر و لبنیات

ماده مغذی ضروری است و تنها حدود ۴ درصد از قندهای افزوده شده به رژیم غذایی کودکان را تامین می‌کند. طبق این مطالعه، مصرف شیر طعم‌دار با اضافه وزن یا چاقی مرتبط نیست و اغلب با کیفیت کلی رژیم غذایی سالم‌تر مرتبط است. بچه‌ها طعم آن را دوست دارند و بنابراین تمایل بیشتری به نوشیدن آن دارند، که منجر به مزایای تغذیه‌ای و کاهش ضایعات غذا می‌شود. البته، شیر طعم‌دار مانند شیر شکلات فقط برای بچه‌ها نیست. بعد از تمرین یک وعده ۸ اونس مصرف کنید تا آنچه بدن برای کمک به ریکاوری نیاز دارد را دریافت کنید.



شیر و لبنیات، منبع بسیار خوبی برای تامین پروتئین مورد نیاز بدن است. مصرف روزانه دو لیوان شیر، ۵۰ درصد پروتئین مورد نیاز افراد بالغ را تامین می‌کند. به گزارش ایرنا زندگی، لبنیات یکی از مهمترین گروه‌های غذایی انسان به شمار می‌رود که ویتامین های حاوی آن، سلامت شما را تضمین می‌کند؛ کلسیم موجود در شیر و لبنیات از نرمی استخوان، کندی رشد، خرابی دندان ها در کودکان و پوکی استخوان در بزرگسالان پیشگیری می‌کند به طوری که مصرف ۲ تا ۳ لیوان شیر در روز می‌تواند نیاز بدن به کلسیم را در افراد بالغ تامین کند. با این همه در خصوص مصرف شیر و لبنیات سوالات زیادی برای افراد پیش می‌آید که در این متن سعی شده به برخی از آنها پاسخ داده شود. شیر و غذاهای لبنی برای رشد سالم، رشد و ساخت استخوان‌های قوی مهم هستند. اما آیا می‌دانستید خوردن لبنیات با قلب سالم، هضم غذا و عملکرد سیستم ایمنی و همچنین رشد اولیه مغز و مدیریت وزن مرتبط است؟ روزانه سه وعده لبنیات همراه با میوه‌ها، سبزیجات، پروتئین های بدون چربی و غلات کامل مصرف کنید. نوشیدنی های تخمیری مانند کفیر را امتحان کنید، فرقی نمی‌کند ۵ ساله باشید یا ۵۵ ساله، لبنیات می‌تواند در سفر سلامتی به شما کمک کند.

آیا نمی‌توانم مواد مغذی خود را از جای دیگری دریافت کنم؟

بیشتر توصیه‌های مربوط به کلسیم و ویتامین

فقط به همین جابسنده نکتید: برای مقرون به صرفه ترین رژیم غذایی غنی از مواد مغذی، از انواع غذاها - از جمله لبنیات، میوه‌ها، سبزیجات، غلات کامل و سایر پروتئین های بدون چربی استفاده کنید.

آیا شیر طعم دار مانند برخی از شکلاتها (تلخ) مغذی است؟

شیر طعم‌دار منبع مهمی از مواد مغذی برای بسیاری از بچه‌ها در حال رشد است. این یک منبع خوب یا عالی از ۱۳

آیا غذاهای لبنی با شیر کامل می‌توانند بخشی از یک رژیم غذایی سالم باشند؟ غذاهای لبنی کم چرب یا بدون چربی را برای افراد ۲ سال و بالاتر توصیه می‌کنیم اما دستورالعمل چربی های اشباع را رد نمی‌کنند. این محدودیت در ۱۰ درصد از کل کالری روزانه شما محدود شده است. ممکن است یک وعده لبنیات با شیر کامل را به عنوان بخشی از یک رژیم غذایی سالم در نظر بگیرید. تحقیقات نوظهور نشان می‌دهد که خوردن لبنیات با شیر کامل نه تنها می‌تواند در یک برنامه غذایی سالم قرار گیرد بلکه می‌تواند به کاهش خطر بیماری قلبی، دیابت نوع ۲، مرگ و میر، سکته مغزی، فشار خون بالا و چاقی کمک کند. اثرات محافظتی آن احتمالاً به دلیل مزایای مشخصات منحصر به فرد مواد مغذی لبنیات است.

محسن مزخوری (۱۳۶۴) با دفترهای در عمق چند هزارپایی چیزها (۱۳۹۸)، اشیا تنها سکوت خود را تماشا می‌کنند (۱۳۹۹) و هاله‌های خود ارجاع یا مطالعه بالینی و فیزیولوژیک طرز بازی کردن (۱۴۰۲)، گاهی به چیزها و اشیا ژرفا می‌بخشد و گاه انسان را چیزواره می‌کند و نیز گاهی در شعر چیزها را بی‌مدلول می‌سازد. در دفتر نخست شعرها میان تفاوت و تفاوت می‌لغزند، در دفتر متفاوت دوم شاعر نشان می‌دهد که گوینده‌ی توانایی است تا بتواند در دفتر سوم ادعا کند که متفاوت و حتی گاهی متفاوت‌تر شعر می‌گوید. زیرا شاعری که متفاوت را درنیافته، از بیان تفاوت ناتوان است و مانند بسیاری از شاعران ایرانی شبه مدرن یا شبه پست‌مدرن نامیده می‌شود. دفتر نخست، که عنصر غالبش داشتن بینامتنیتی باشعرا و آثار نویسندگان و حتی با افسانه‌ها (افسانه‌گردانی) و سخنان عربی است، چیزوارگی‌های بسیار دارد. نمونه‌اش شعر صفحه‌ی ۳۹ است که آدم‌ها، کفش‌ها، هزارپا و شعر را یگانه و چیز دانسته است: که در عمق چند هزار چیز چیزها صندلی‌هایشان را درست روبروی که بگویند: ورود هزارپا به این شعر یک اتفاق حنایی است و حنایی در این شعر یک اتفاق هزارپایی است که می‌تواند کشف‌های گمشده‌اش کشف‌های گمشده‌ی هزارپای دیگر را لایه‌لای سطرها پیدا کرده باشد

این یگانگی، با نشانه‌ی «پا» با کفش و انسان، هزارپا و سطر شعر پدیدار می‌گردد. این یگانگی را کاشفان در اعماق چیزها و در هزارپا زیر زمین اشیا کشف می‌کنند. کاشفان روبه‌روی هم می‌نشینند تا بگویند: ورود هزارپا به این شعر، حنایی است. خواننده می‌گوید واژه حنایی دیگر از کجا آمد؟ بعد حدس می‌زند این واژه اتفاقی در شعر آمده تا ابهام پسامدرنیستی و متفاوت یا ضد ابهام را پدید آورد، سپس می‌بیند که گوینده آن را تفسیر می‌کند، اما به روش دوری و با سربیه‌سر گذاشتن خواننده تا فراشعری همانند فراداستان آفریده گردد. هزارپا در این شعر، اتفاق حنایی است و حنایی اتفاق هزار پایی. این کشف کاشفان است. آنگاه کشف به چیز بی‌ارزش تری چون کفش بدل می‌شود تا همان بی‌ارزشی را با بازی کمیک نشان دهد. این کشف‌ها در همه‌ی سطرها دیده می‌شود. شاید این سطرهای شعر گذشتگان و رمانتیک‌ها باشد که هزار گمشده دارد. گوینده بارها در تمام این دفتر و گاه دفترهای دیگر از «عمق چند هزارپایی چیزها» یاد می‌کند، ولی در این شعر می‌گوید: در «عمق هزارچیزی چیزها» تا آسان‌تر از موجودی به نام هزارپا بهره بگیرد. این کار خوب است چون بر چیزوارگی تأکید می‌ورزد، اما بد نبود اگر هزارپایی و هزارپا هر دو در متن می‌آمدند. در شعر «کلید» از دفتر خوب دوم نیز چیزی (کلیدی) مانند انسان دریده‌تر است. کلید باید با پیراهن و کفش مدارا کند و گوینده و زبانش را مانند آن‌ها روی بند آویزان گرداند و او را که مانند جوهر در خودکار و اسب در طویله‌ی تنهایی، زندانی است، آزاد کند: ای کلید دریده‌تر

ای صاحب تنهایی در رفتار خودت با پیراهن که مدارا می‌کند با من با کفشی که پشت در منتظر می‌ایستد و واق واق می‌کند توی دلش بیا برای گفتن اشیا از زبانم حرف بکش سایه‌ام را بخیسان و

## چیزها و آدم‌ها



دکتر علی تسلیمی

متفاوتی نیز دارد از جمله شعر ایماژیستی فراموشی: «لباس رهاشده روی بخاری / قصد خودکشی ندارد / گاهی فراموشی / شعله‌های سوزانی دارد» (۱۰۴). دفتر سوم، هاله‌های خود ارجاع یا مطالعه بالینی و فیزیولوژیک طرز بازی کردن ساختارشکنی رادیکالی دارد. شعرهایش از شاعران «دادا» و پساستارگرایان به‌ویژه دریدا الهام می‌گیرد. از ساده‌ترین شعرهای آن، خود «دریداوارگی» است. این شعر به دریدا و کلیدواژگانش چون «بازی»، «ساختارشکنی»، «تفاوت»، «تأخیر»، «حضور»، «غیاب»، «پساستارگرایی» و «پسامدرن» آن‌هم با درهم‌ریزی خود آن‌ها می‌پردازد تا آن‌چه از دریدا در پیش‌متن نقل می‌کند که «بهترین شیوه‌ی وفادار ماندن به متن، بی‌وفایی به متن است»، با بی‌وفایی به خود دریدا، وفادارش باشد، برای نمونه،



حضور و دریدا بدین گونه: «ح»، «ض»، «و»، «ر» و: «دال»، «ر»، «یا»، «دال»، «ا». این شعرها را باید چنین نشانه‌شناسانه و کارآگاهانه خواند و در پایان با جمع‌آوری این پازل‌ها به این نتیجه رسید که ساختارشکنی دریدایی از دیدگاه شاعر چیزی مانند این فرم است و اگر بخواهیم درون‌مایه‌ی این شعر پیدا کنیم، همان شکست زبان (لانگ) حتی متافیزیک حضور دریداست: دادا؟؟؟/ دادا؟؟؟/ یک نگاه/ رش را به هم (م) بی‌تری. (زید) با/ دریدا/ تا با/ بالا می‌رود/ جا به جا توی باز/ توی بازی/ دری/ ودا/ می‌ریزد نشانه از ساخت/ از در/ شکن(ی)/ زدی(ی)/ گرای(ی)/ که پایان می‌گیرد در امضا/ دادایی که با دا/ تکرار تفاوت است در دا/ که امکانی برای سؤال/ تأخیری برای محال/ در بلاکلیفی زبان است/ با است در لغزش مدام حضور و غیاب/ تا/ م (تا مت/ ا) م (تا فیزی) ک/ در صدای ح/ صدای ض/ صدای و/ صدای ر/ که می‌درد هر چه با و بازی که رد که رد/ بازی به رد/ توی لاک/ توی لانت/ توی پاک/ و ژاک که تنها شیفته‌ی خط‌خوردگی‌های خود است/ نه پاسا/ نه پسا/ م/ در بی‌اقتداری مؤلف/ که کولازی از امضا/ هاست. یا/ دری دادا/ که عامل سوم اجتناب است/ در ادا که دال ناخالص ابتلاست/ لایه دال/ لایه ر/ لایه یا/ لایه دال/ لایه ا (۱۰۰-۱۰۲). شعر یا ضد شعر «دال» نیز مانند شعرهای دیگر مدعی دال‌های بی‌مدلول است و دو دال با هم هماهنگی ندارند و اگر داشته باشند، مدلول‌گرایی و برون‌ارجاعی را آغاز کرده‌اند. «در عمق چند هزارپایی چیزها/ تا از توهم به غوطه‌ور/ از غوطه‌ور، به لای انگشت‌های خودارجاع/ به با زمینه که نه/ و نه از غبار مختصر سایه‌بازی/ که بخوانند از فا به هوا بالاتر...» (۴۹). این شعرها این وجه فراشعری را نیز دارند که در درون متن از نظریه بهره می‌گیرند، اما جنبه‌ای که آن را متفاوت‌تر می‌سازد، این است که وارونه‌ی بسیاری از فراشعرا و فراداستان‌ها خود نظریه را هم منظم و ساختاری ارائه نمی‌کند و آن را می‌شکند تا بگوید «مؤلف چیست» و نه کیست و در پایان او نیز چیز گردد.

بندازم روی بند ای کلید دریده‌تر جوهر خودکارم مثل اسبی در طویله زندانی ست (۱۱) این شعر متفاوت، همچنین به ما می‌گوید، کلیدی که باید گشاینده‌ی درهای بسته باشد، خود مانند ما درمانده و دریده‌تر است و نمی‌تواند دری بسته را باز کند یا اسبی را آزاد سازد تا بتازد و آزادانه کار کند، اما نه دیوانه‌وار که در این صورت، بهتر است همچون اشیا ساکت نشیند و یا مانند کفشی یا سگی که پشت در به انتظار گوینده نشسته، ساکت باشد و تنها «توی دلش» «واق واق» کند. شعر «رد نگاه» از همین مجموعه ادامه‌ی همین اندیشه است: و تو گفستی حضور اشیا



تا جایی ادامه دارد که رد نگاه‌مان به آن‌ها بیفتد و این یعنی این صندلی لهستانی که اتفاقاً یک پایه‌ی آن کج شده تا جایی به صندلیت خود واقف است که گرد نگاه‌مان رویش نشسته و گرنه ترکه چوبی است رها شده در گوشه‌ی اتاق (۲۲) اگر این شعر را همچون تعریفی از پدیدارشناسی بخوانیم، درمی‌یابیم که دست‌اندازهایی به احتمال، آگاهانه دارد؛ پدیدارشناسی می‌گوید پدیده‌ها و اشیا در نگاه ما به پدیدار بدل می‌شوند و چیزها همان نیستند که در ذهن ما حضور دارند. بنابراین آن‌چه اهمیت دارد آگاهی ماست. این آگاهی ماست که به چیزها هویت می‌بخشد، و گرنه آن‌ها به هویت خود واقف نیستند. اما گوینده می‌گوید آگاهی ما سبب شده است که صندلی به هویت خود واقف گردد. این قطع ارتباط به دشوارسازی شاعرانه روی دارد، اما در سطر پایانی همین سخن سطر پنجم رانفی می‌کند. زیرا اگر صندلی به صندلیت خود آگاه است، چرا در این جامی گوید اگر نگاه ما نباشد، صندلی تکه چوبی بی‌هویت است؟ این شعر به من استعلایی و مرکزیت سوژه در آغاز و پایان می‌گراید و به اوژه می‌نگرد، ولی در میانه، صندلی از اوژگی بیرون می‌آید. آیا رد نگاه ما گردی بر روی اوژه نیست؟ پس سوژگی انسان لغزنده می‌گردد. شعر به هر روی چیز ویژه‌ای ندارد که بگوییم ما را بدان ارجاع داده است و نتیجه‌اش خودارجاعی، ابهام قطع‌کننده‌ی ارتباط و نمادزدایی است، دست‌کم با این خوانش. اما اگر به شخصیت‌پردازی پرسوناژهایش بنگریم درمی‌یابیم که روزمرگی و بیهودگی را با زبان مادی روزمره بیان داشته؛ به زبان دیگر چیزوارگی و یکسانی انسان و اشیا و این همانی این دو، بلکه برتری صندلی بر انسان را به نمایش گذاشته است، زیرا شخصیت انسان با رد و گرد نگاه پردازش گردیده و شخصیت صندلی با معصومیت (کج شدن پایه‌اش، غبار نشستن بر رویش و رها شدنش در گوشه‌ای)، دفتر پیش‌رو که به تنهایی می‌تواند از مزخوری شاعری نام‌آور سازد، شعرهای









## خبر

### بیش از ۵۷۰ فقره انشعاب جدید آب در شهرستان گمیشان نصب شد



مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان گلستان از نصب بیش از ۵۷۰ فقره انشعاب جدید در سال گذشته در شهرستان گمیشان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، ابوالفضل رحیمی اظهار کرد: سال گذشته بیش از ۵۷۰ فقره انشعاب جدید در گمیشان نصب شد. وی افزود: تعویض ۳۹۰ فقره کنتور خراب و فرسوده، رفع ۵۵۰ مورد اتفاقات انشعاب، واگذاری ۵۹۲ فقره انشعاب آب و استاندارد سازی ۳۳۵ فقره انشعاب آب از دیگر اقدامات صورت گرفته در این مدت بوده است. این مقام مسئول افزود: حفر و به بهره برداری چهار حلقه چاه، اجرای عملیات مهندسی مجدد ۸ حلقه چاه آب شرب، بازسازی ۳ باب مخزن ذخیره و اجرای عملیات اصلاح و توسعه شبکه آب شرب به طول بیش از ۲۱ کیلومتر از دیگر اقدامات صورت گرفته در مدت مذکور بوده است. مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان گلستان گفت: با هدف تأمین آب شرب سالم و بهداشتی، شستشوی ۳۸ کیلومتر از شبکه‌های توزیع و خطوط انتقال و همچنین ۳ باب مخزن ذخیره آب شرب از اقدامات مهم در راستای بهبود وضعیت کیفی آب در این مدت در شهرستان گمیشان انجام شد.

«»

### دستبند پلیس بر دستان عامل سنگ پراانی

فرمانده انتظامی گرگان از دستگیری عامل سنگ پراانی به سمت خودروهای عبوری در یکی از محورهای مواصلاتی این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، علی تجری اظهار کرد: در پی گزارش سنگ پراانی به سمت خودروهای عبوری در یکی از محورهای مواصلاتی شهرستان، دستگیری عامل یا عاملان به صورت ویژه در دستور کار مأموران انتظامی قرار گرفت. وی ادامه داد: مأموران کلابتری ۱۳ با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی و انجام گشت‌های محسوس و نامحسوس موفق به شناسایی عامل ناامنی و سنگ پراانی به سمت خودروها شدند. تجری افزود: مأموران پس از هماهنگی با مرجع قضائی در یک عملیات ضربتی متهم را دستگیر و یک دستگاه موتورسیکلت را توقیف کردند. فرمانده انتظامی گرگان گفت: پس از تکمیل پرونده، متهم روانه داسرا و پس از رسیدگی قضائی تحویل زندان شد.



## دو داستان از مه نگار حاجی مشهدی



### دوستی عجیب

شب به پایان رسیده و خورشید بالا آمده بود. نور سوسوزنان در آسمان پرواز می کرد. طبیعت باری دیگر زندگی را فرامی خواند. اولین شکوفه از میان برگ ها خودش را بیرون کشیده بود و داشت به نور می خندید. بچه زنبورها پرسینند! این موجود عجیب کوچک چیست؟ شکوفه گفت: من گل بهار هستم. شما همان موجودات کوچکی نیستید که شهد گل ها را می خورید؟ اصلا از شما خوشم نمی آید! زنبور ها گفتند: ما شهد تو را به کندو می بریم و برای ملکه و بقیه عسل می سازیم. ما دوستان تو هستیم. شکوفه با اخم گفت: نمی خواهم! تنهایم بگذارید! و بچه زنبورها با ناراحتی دور شدند. هرچه درخت و بقیه شکوفه ها برایش توضیح دادند گل بهار راضی نشد که نشد. آخر سر هیچ کس چیزی نگفت و همه رفتند پی کارشان. نزدیک عصر که شد دل گل بهار درد گرفت. نمی دانست چرا! آخر آن روز حسابی نور خورده و درخت هم به او آب داده بود. دلش را چسبیده و کل آشپزخانه ی درخت را روی سرش گذاشته بود. درخت گفت: بروید زنبورها را بباورید. شکوفه پرسید: چرا؟ من آن ها را دوست ندارم! درخت با مهربانی جواب داد: اگر آن ها شهد تو را می گرفتند دلت درد نمی گرفت. به من اعتماد کن! شکوفه ی کوچک کمی می رسید اما وقتی بچه زنبورها آمدند گلبرگ های کوچکش را

باز کرد و یکی دوتا زنبورک مشغول خوردن شهلش شدند. وقتی کارشان تمام شد گل بهار دیگر دل درد نداشت. حسابی سرحال آمده بود و بعد از بچه زنبورها عذرخواهی کرد. بچه زنبورها ویز ویزکنان گفتند: فردا به دینت می آییم! ملکه بزرگ منتظر ما هستند! و بعد از خداحافظی با او رفتند. آن شب شکوفه ی کوچک از درخت مهربان تشکر کرد و گفت: خیلی خوشحالم که دختر شما هستم درخت بزرگ. درخت سری تکان داد و با خنده گفت: من هم خوشحالم که ملکه ی زنبورها نیستم وگرنه چگونه می توانستم آن همه بچه ی ویزویزی کوچک را تحمل کنم؟ و بعد هر دو زنده زنده خنده؛ به طوری که صدای قهقهه شان به آسمان رفت و باعث شد تا کلاغ فضول خبرنگار که درحال گوش کردن به حرف های آن ها بود حواسش پرت شود و از درخت کناری بیفتد پایین. جلوی پای آن ها و درخت و گل بهار بلندتر خندیدند! آخر فردا دیدن قیافه ی کلاغ عصبانی عصا به دست، درحالی که یک پایش را گچ گرفته بود خیلی خنده دار به نظر می رسید. حتی بچه زنبورها هم بوشکی داشتند می خندیدند. آن شب یکی از بهترین خاطرات شکوفه ی جوان بود که حالا به درخت نیرومندی تبدیل شده است.

### ملاقات شبانه

امشب به درخت کاج سرزمین خیالم سری زدم و دیدم دلش گرفته. گفتم: چه شده دوست من؟ درخت با لبخند گفت: دلم برایت تنگ شده. چرا به دینم نمی آیی؟ جواب دادم: خودت می دانی خیلی دوست دارم اما زیاد نمی توانم بمانم. باید بروم. او با ناراحتی پرسید: آخر چرا؟ چرا بانوی اسرارآمیز جنگل به دنبال من می آید؟ گفتم: کاج عزیز، این رازی است که بین من و او می ماند. کاج شاخه هایش را دورم انداخت و مرا در آغوش گرفت. با امید پرسید: به من بگو چه شده. نکند قلم دوباره کاغذهای دفتر را میچاله کرده،

خاتم نویسنده؟ با خنده جواب دادم: نه، می دانی گاهی دلم می خواهد چیزی بگویم اما نمی توانم. این حال را می شناسی؟ دوست سبزم سری تکان داد و گفت: خیلی هم خوب. حال بگو چه می خواهی بگویی بانوی جوان؟ پاسخ دادم: کاج مهربان، بین خودمان بماند دلم می خواهد از ماه تشکر کنم. نام من و مادرم از ماه است و اگر ملکه ی آسمان نبود اسم دیگری داشتیم و مطمئن هستم هیچ کلام از اسم هایمان به اندازه ی او زیبا نبود. کاج با نگاه عجیبی پرسید: فقط همین؟ ادامه دادم: بانوی اسرار آمیز را امشب در آبشار می بینم. درخت کاج را در آغوش گرفتم و پس از اینکه مرا با نگاه مهربانش بدرقه کرد، به دیدار ماه رفتم. ماه پرسید: چه شده زیبای من؟ گفتم: ماه عزیز از تو ممنونم که بودند نامی نیکو به من و مادرم بخشید. ماه سرش را تکان داد و گفت: سپاس خداوند بزرگ را که مرا آفرید. من هم سری تکان دادم و پس از خداحافظی از ماه، به دیدار بانوی اسرارآمیز جنگل رفتم. بانو با دامانی پرشکوفه بر

## مدیر کل جدید بنیاد مسکن معارفه شد

شهرستان گرگان، معاونت بازسازی و مسکن روستایی و معاونت پشتیبانی بنیاد مسکن استان را در کارنامه خود دارد. لازم به ذکر است پیش از این سید محمد حسینی مدیرکل بنیاد مسکن استان بود که با حکم وزیر راه و شهرسازی به عنوان سرپرست راه و شهرسازی استان منصوب شد.

خسروی را به عنوان مدیرکل جدید بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان منصوب و از زحمات و تلاش های سید محمد حسینی، مدیرکل سابق بنیاد مسکن استان تجلیل شد. خسروی از نیروهای باسابقه بنیاد مسکن استان است و مدیریت واحد حقوقی، مدیریت بنیاد مسکن

به عنوان مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گلستان منصوب شد. به گزارش روابط عمومی، در مراسمی با حضور فلاحی، معاون پشتیبانی و توسعه منابع انسانی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، با اهدای حکم صالحی، ریاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، داوود